



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
Eurasian Scientific Journal Index
www.ESJIndex.org



Academic Resource Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۱۶	دوره انتشار	۵	صفحات	۱-۱۸
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

تعارض فرزندخواندگی در قوانین

آقای دکتر محسن ولایتی و خانم معصومه کوچکی

گروه الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران

کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی از دانشگاه پردیس، واحد گیلان، رشت، ایران

چکیده

موضوعات مربوط به روابط والدین و الزام به پرداخت نفقه در خط عمومی و نزولی زمان مطرح می‌شود که اولاً موضوع رابطه والدین یا فرزندگی که قرار است از والدین نفقه دریافت کند، فردی است که فرزند خونی و طبیعی والدین است. سوالی که در این جا مطرح است این است که چنانچه زن و شوهری، فرزندگی را به فرزندگی قبول کنند، این فرزند از تمامی حقوقی که یک فرزند واقعی دارد، بهره‌مند می‌شوند. سوالی که در این جا به ذهن خطور می‌کند این است که اگر میان فرزندخواندگی تعارض قوانین وجود داشته باشد، در این صورت بر اساس چه قانونی عمل می‌شود؟ و چه دادگاهی صلاحیت رسیدگی را دارد؟

واژگان کلیدی: فرزندخواندگی، تعارض قوانین، فرزندخوانده

طبقه‌بندی: JEL فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
Eurasian Scientific Journal Index
www.ESJIndex.org



Academic Resource Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



Conflicts Regarding Adoption in the Laws

Abstract

Issues concerning the parent-child relationship and the obligation to provide maintenance—specifically within the direct line of descent—presuppose that the child entitled to receive support is the parents' biological, natural offspring. A question arises here regarding adopted children: do they enjoy all the same rights as a biological child? Furthermore, if a conflict of laws arises in the context of adoption, which law governs the matter, and which court has jurisdiction to adjudicate the case?

Keywords: Adoption, conflict of laws, adopted child



متن مقاله

می‌پردازیم و در مبحث بعدی فرزندخواندگی در تعارض قوانین را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. تعارض قوانین

یکی از مباحثی که در حقوق بین‌المللی خصوصی داریم قواعد حل تعارض قوانین است. اگر حقوق داخلی همه کشورها یکسان بود و هیچ نقطه اختلافی نداشتند و یا اگر روابط بین اتباع کشورها نبود و جمعیت هر کشوری در قلمرو آن کشور زندگی می‌کردند و مسافرت فقط در داخل ممالک صورت می‌گرفت نیازی به قواعد تعارض نبود؛ اما واقع این است که هم قوانین داخلی کشورها با هم متفاوت است و هم باقی‌ماندن همه اتباع در داخل کشور خود غیرممکن گردیده است؛ بنابراین مراجع قانون‌گذاری هر کشور باید شیوه‌های حل تعارض قوانین را به کار گیرند. مسئله تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که در یک رابطه حقوق خصوصی به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند. در چنین مواردی باید دانست قانون کدام یک از کشورها بر رابطه‌ی حقوقی موردنظر حکومت خواهد کرد. روابط حقوقی حقوق خصوصی با روابط حقوقی کیفری تفاوت دارد به این معنا که در روابط حقوقی خصوصی، امکان اعمال و اجرای قانون خارجی وجود دارد و در حقوق خصوصی می‌توان پذیرفت که برای مثال ازدواج زوجین افغانی، تابع قانون دولت متبوع آنها باشد؛ اما در حقوق کیفری چنین نیست؛ یعنی نمی‌توان تبعه خارجی را که در ایران مرتکب جرم شده است مطابق قانون دولت متبوع وی محاکمه و مجازات کرد. بدین ترتیب مسئله تعارض قوانین، در مقررات حقوق خصوصی دولت‌هاست که قانون‌گذاران، بنا به مصلحتی که در مفهوم حقوق خصوصی نهفته است پذیرفته‌اند تا در وضعیت‌های خاصی، بر پایه معیاری که مقرر کرده‌اند قوانین و قواعد ماهوی مقرر دادگاه را به کنار نهند و قانون دولت خارجی

بحث پیرامون فرزندخواندگی سابقه‌ای بس طولانی دارد؛ اما هدف از این نوشته مطالعه فرزندخواندگی از دیدگاه تعارض قوانین و مطالعه مقررات و قوانین بین‌المللی در رابطه با فرزندخواندگی است. بحث و بررسی موضوع مذکور می‌تواند از جنبه‌های عملی و نظری سودمند باشد. از لحاظ عملی به دلیل این که از یک طرف سیر تحولات اقتصادی و اجتماعی، رشد صنعت توریسم و تجارت بین‌الملل موجب گسترش مراودات بین‌المللی گردیده است و از طرف دیگر، کشور ایران به دلیل نابسامانی وضع همسایگان خود سالانه پذیرای هزاران مهاجر به خصوص از عراق و افغانستان است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا دو مفهوم سرپرستی که مورد قبول کشورمان و فرزندخواندگی که مورد پذیرش اغلب کشورهای غربی است قابل جمع است؟ در اغلب کشورهای غربی فرزندخواندگی کامل مورد پذیرش واقع شده است به این معنا که فرزندخوانده به عنوان فرزند واقعی فرزندپذیران صاحب حق می‌گردد و این متفاوت با حقوق کشورهای اسلامی است که نهاد فرزندخواندگی را نپذیرفته‌اند. اتباع ایرانی صرفاً می‌توانند خود را مشمول قواعد سرپرستی قرار دهند گرچه ایرانیان پیرو مذهب‌های مسیحی، یهودی و زرتشتی از این حیث تابع مذهب خود هستند. در این تحقیق درصدد آن هستیم تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم: تفاوت‌های نهاد سرپرستی و فرزندخواندگی چیست؟ کدام کشورها سرپرستی و کدام یک فرزندخواندگی را پذیرفته‌اند؟ چه قانونی بر اقلیت‌های دینی ایرانی و یا اتباع خارجه‌ای که در ایران مقیم هستند و قصد دارند فرزندی را به فرزندخواندگی بپذیرند حاکم می‌باشد؟ این مقاله مشتمل بر چند مبحث است؛ در ابتدا گذری کوتاه بر مفهوم تعارض قوانین و فرزندخواندگی خواهیم داشت سپس به بررسی دیدگاه حقوق کنونی ایرانی راجع به فرزندخواندگی و مقایسه آن با حقوق سایر کشورها



را با خانواده‌ی طبیعی وی محفوظ می‌دارند و از پاره‌ای جهات نیز، او را در حکم فرزند خانواده‌ی پذیرنده قرار می‌دهند.

۲. دیدگاه حقوق کنونی ایران راجع به فرزندخواندگی و مقایسه آن با حقوق سایر کشورها

در ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان و اعتبار آن در نزد زرتشتیان، بانفوذ اسلام منسوخ گردید و باتوجه به مقررات حقوق اسلام، در حقوق ایران نهادی به‌عنوان فرزندخواندگی بدین مفهوم که فرزندخوانده از هر حیث در حکم فرزند واقعی باشد و از آثار رابطه به نوت بهره‌مند شود، وجود ندارد، ولی باتوجه به این که نوع دوستی و کمک به نیازمندان از عناصر اصلی فرهنگ ایرانی و تعالیم اسلامی می‌باشد و نظر به تأکیدی که در اسلام در مورد ضرورت رسیدگی به ایتام و اطفال بی‌سرپرست مطرح گردیده است، مقررات مدونی به‌منظور سرپرستی اطفال بی‌سرپرست وضع گردیده و اجرا می‌شود که بعضاً از آن به فرزندخواندگی ناقص تعبیر شده است. این مقررات در قانون اساسی و قوانین عادی انعکاس یافته است. حقوق موضوعه ایران در مورد قانون حاکم بر فرزندخواندگی بین‌المللی قطع نظر از برخی کلیات، ساکت است، و موضوع مذکور کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از این نظر، بررسی قوانین کشورهای که در آنها فرزندخواندگی بین‌المللی مورد پذیرش شده واقع شده می‌تواند از جنبه‌های مختلف سودمند باشد. به‌ویژه آنکه در حال حاضر مراودات بین‌المللی گسترش یافته و از یک طرف میلیون‌ها ایرانی در کشورهای دیگر حضور یافته‌اند و از طرف دیگر شمار زیادی از اتباع از سایر کشورها در ایران به‌عنوان مهاجر و پناهنده حضور دارند.

فرزندخواندگی بین‌المللی: فرزندخواندگی بین‌المللی عبارت است از فرزندخواندگی گرفتن یک کودک از یک کشور خارجی توسط زوج یا یک فرد تنها که در کشور دیگری زندگی می‌کند به عبارت ساده‌تر

را اجرا کنند (باقری م.، چاپ دوم، ۱۳۹۶). نکته دیگری که در اینجا باید تذکر داده شود آن است که مسئله تعارض قوانین تنها در مرحله‌ی اعمال و اجرای حق مطرح می‌شود و منطقاً مسبوق به مسئله داشتن حق یا اهلیت تمتع است همان گونه که مسئله اهلیت تمتع نیز منطقاً مسبوق به تابعیت است؛ بنابراین چنانچه شخصی در روابط بین‌المللی از حق محروم شده باشد مسئله تعارض مطرح نخواهد شد؛ زیرا تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که فردی در زندگی بین‌المللی دارای حق باشد و مطلوب ما تعیین قانون حاکم بر آن حق باشد (اسد بیگی، ۱۳۹۴). فرزندخواندگی، فرزندخواندگی (Adoption) یک عمل حقوقی است که موجب پیدایش رابطه فرزندی صوری بین دو شخص می‌شود یکی را فرزندخواه Adoptant و دیگری را فرزندخوانده Adoptee نامند و رابطه مزبور را فرزندخواندگی خوانند. (لنگرودی). فرزندخوانده فرزندی است که از طریق رابطه حقوقی فرزندخواندگی، عنوان فرزند یافته است؛ رابطه‌ای که بین فرزندخوانده و خانواده سرپرست وجود دارد یک رابطه حکمی است و این رابطه ممکن است در اثر فوت یکی از طرفین به هم خورد، در صورتی که رابطه فرزند واقعی و طبیعی با والدین هیچگاه قطع نمی‌شود (چاوشی، ۱۳۹۳). فرزندخواندگی نهاد قانونی است که به‌موجب آن رابطه خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می‌آید. این امر در طول تاریخ حقوق، سابقه نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. این تأسیس حقوقی پس از سیر تحولاتی در حال حاضر به صورت‌های کامل و ساده یا ناقص در حقوق کشورهای غربی با آثار متفاوت پذیرفته شده است. قوانین بعضی از کشورها اجازه می‌دهد که با شرایط خاص، کودک بیگانه به خانواده ملحق شود و به طور کامل، در زمره‌ی فرزندان مشروع زن و شوهر درآید؛ اما در دسته‌ای دیگری از کشورها، این الحاق را به طور کامل نمی‌پذیرند و ارتباط کودک



می‌دارد ((کلیه کودکان و نوجوانان نابالغ و نیز افراد بالغ زیر شانزده سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در ماده ۸ این قانون باشند، مشمول مفاد این قانون می‌گردد)). قانون جدید از قانون سابق متضمن حمایت‌های بیشتری از اطفال و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست است. سرپرستی در ایران ابتدا تنها مختص کودکان بی‌سرپرست بود و با تصویب قانون جدید در سال ۱۳۹۲ شامل کودکان و نوجوانان بدسرپرست نیز شد. در این قانون بر مصلحت کودک و نوجوان تأکید زیادی شده است و برای تأمین امور و منافع مادی و معیشتی کودکان و نوجوانان مانند استفاده آنان از بیمه عمر یا مستمری و حقوق وظیفه توجه خاصی مبذول شده است. گرچه قانون سابق مشمول کودکان زیر ۱۲ سال بود لیکن این قانون دایره شمولیت قانون را تا ۱۶ سال افزایش داد. نکته مهم قانون جدید مشمول بودن آن نسبت به کلیه اتباع ایرانی است چه در ایران چه در خارج از کشور از کشور اقامت داشته باشند که می‌توانند از مزایای سرپرستی کودکان یا نوجوانان بهره‌مند شوند. طبق ماده ۵ قانون مذکور برای کودک بی‌سرپرست باید تقاضانامه‌ای از طرف زن و شوهر و به طور مشترک تسلیم دادگاه شود. طبق ماده (۳) و (۴) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، ایرانیان مقیم ایران و خارج از کشور، در صورت دارا بودن شرایط می‌توانند متقاضی سرپرست کودکان باشند. قانون‌گذار در این رابطه نسبت به ماده (۱) قانون ۱۳۵۳ تحولی ایجاد کرده است که با قاعده‌ی شخصی بودن قوانین احوال شخصیه ماده (۶) و (۷) قانون مدنی ایران مطابقت دارد. این در حالی است که در قانون ۱۳۵۳، قانون‌گذار خاف قاعده شخصی بودن قانون حاکم بر احوال شخصیه عمل کرده بود آن را تابع قانون اقامتگاه می‌دانست (باقری، ۱۳۹۸). ماده ۶ قانون جدید شرایط ابتدایی صدور حکم سرپرستی را معین کرده است.

فرزندخواندگی بین‌المللی پذیرش فرزند توسط زوج یا یک فردی است که ملیتی همانند کودک ندارد غالباً این پدیده با عنوان کودک فرزندخوانده از کشور محل تولد خود به کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌گیرد.

۱-۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست به‌موجب بند دوم از اصل بیست و یکم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به حمایت از مادران و کودکان بی‌سرپرست گردیده و قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳، نیز به‌منظور تأمین منافع مادی و معنوی آنان، شرایط خاصی را برای خانواده‌هایی که می‌خواهند سرپرستی اطفال بدون سرپرست را به عهده بگیرند وضع نموده است تحت عنوان «سرپرستی اطفال بدون سرپرست» که با آثار حقوقی مشخصی احیا گردیده است (امامی ا.). البته قانون مزبور با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲/۶/۳۱ نسخ شده است. این قانون مشتمل بر ۳۷ ماده می‌باشد و به نظر می‌رسد از قانون سابق جامع‌تر می‌باشد و شرایط، تشریفات و آیین دادرسی و آثار و فسخ سرپرستی را مقرر داشته است. در این قانون برای اولین بار به جای لفظ سرپرستی، از عنوان فرزندخواندگی استفاده شده است. هدف از سرپرستی طبق ماده ۱ قانون تأمین منافع مادی و معنوی طفل است؛ ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود. فرزندخواندگی نمی‌توان عمل حقوقی دانست با این استدلال که ایجاب از جانب زن و شوهر است و تعیین تکلیف در این خصوص را به‌عنوان قبول مورد پذیرش قرار دهیم. بلکه آن چه سرپرستی را به وجود می‌آورد حکم دادگاه است و حکم دادگاه از جنبه تأسیسی و نه اعلامی این نهاد حقوقی را ایجاد می‌کند، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست سابق و ماده ۹ قانون جدید بر جنبه تأسیسی بودن تفویض سرپرستی یا فرزندخواندگی اشاره دارد (جرفی، ۱۳۹۴). ماده ۹ قانون جدید بیان



سرپرست و نام خانوادگی زوج بیان می‌کند؛ اما حتی صدور شناسنامه جدید برای طفل، رابطه نسبی طفل را با ابوبن خود یا دیگر خویشاوندان نسبی و واقعی وی زایل نمی‌کند؛ بنابراین حکم سرپرستی به‌هیچ‌وجه آثار قرابت کودک با ابوبن و بستگان واقعی وی را زایل نمی‌سازد و تمام آثار قانونی قرابت واقعی از قبیل منع ازدواج با اقارب نسبی و رضاعی و ارث‌بردن فرزند از ابوبن واقعی و اقارب و متقابل ارث‌بردن نامبردگان از فرزند، همچنان باقی خواهد بود و بدین جهت است که یکی از صاحب‌نظران علم حقوق درباره موضوع مذکور، چنین ابراز عقیده نموده‌اند: حکم سرپرستی باعث می‌شود که اقتدار پدر و مادر حقیقی در باب نگاهداری و تربیت فرزند به سرپرست منتقل شود لیکن سایر آثار قرابت به جای خود می‌ماند بنابراین ۱- فرزندخوانده نمی‌تواند با خویشان نسبی و رضاعی خویش [در حدود ممنوعیت‌های قانونی] نکاح کند و حکم سرپرستی هیچ تغییری در منع قانون‌گذاری نمی‌دهد. ۲- فرزندخوانده از اقوام [واقعی] خود ارث می‌برد و ترکه او نیز، با رعایت قواعد ارث، به آنان می‌رسد، لیکن هرگاه عین اموالی که زوج سرپرست به فرزندخوانده بخشیده‌اند موجود باشد، به خودشان باز می‌گردد و جزء ترکه به وارث منتقل نمی‌شود. ۳- احکام مربوط به الزام انفاق در روابط بین فرزندخوانده و پدر و مادر و اجداد واقعی اجراء می‌شود. منتها زمانی که کودک به سرپرستی نیاز دارد، زوجین سرپرست در اجرای این تکلیف مقدم بر آنان هستند. «البته به نظر می‌رسد این اظهارنظر صحیح نمی‌باشد؛ زیرا فراهم کردن مایحتاج زندگی فرزندخوانده بر عهده سرپرست است. برابر ماده ۱۷ قانون جدید حمایت از اطفال بدون سرپرست، وظایف و تکالیف سرپرست نسبت به طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگاهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف ایشان نسبت به اولاد و پدر و مادرش است و بر اساس ملک مستنبط از ماده ۱۱۹۹ ق.م. نفقه فرزندخوانده بر

تقید به انجام واجبات و ترک محرمات، عدم محکومیت جزائی مؤثر با رعایت موارد مقرر در قانون مجازات اسامی، تمکن مالی، عدم حجر، سامت جسمی و روانی لازم و توانایی عملی برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی، نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روان‌گردان و الکل، صلاحیت اخلاقی، عدم ابتلا به بیماری‌های واگیر و یا صعب‌العلاج، اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله شرایط مذکور در ماده ۶ قانون جدید می‌باشد. ماده ۳۲ قانون حمایت از اطفال بی‌سرپرست دادگاه صالح برای رسیدگی به امور مربوط به نگهداری کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست، دادگاه محل اقامت درخواست‌کننده ذکر نموده است. نظر به اینکه فرزندخواندگی و سرپرستی اطفال بدون سرپرست اقلیت‌های دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی، جزء احوال شخصیه آنان است، باتوجه به اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی و قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی، و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، علاوه بر اینکه دعاوی مربوط به فرزندخواندگی آنان می‌تواند در دادگاه خانواده رسیدگی شود، برابر تبصره ماده ۴ ق.ج.خ. تصمیمات مراجع عالی اقلیت‌های دینی مذکور، در این زمینه نیز توسط محاکم (محاکم خانواده) بدون رعایت تشریفات، تنفیذ و اجرا می‌گردد (صفایی). طبق ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. ماده ۱۴ قانون سابق تشریفاتی را برای صدور شناسنامه جدید برای طفل فقط با مشخصات زوجین



در این مورد مسکوت بود، درحالی که تبصره ماده (۲۶) قانون جدید بیان می‌دارد «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است، مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.» به نظر می‌رسد ازدواج سرپرست با فرزندخوانده درحالی که مقید به اجازه دادگاه شده است؛ اما افراد جامعه نسبت به آن نظر مثبتی ندارند و این امر باعث کاهش تقاضای داوطلبان می‌شود. در رابطه با ارث، طبق قانون، افراد برای ارث بردن از یکدیگر باید رابطه خونی و نسبی داشته و یا اینکه زن و شوهر باشند. در غیر این صورت امکان ندارد که بتوانند از یکدیگر ارث ببرند؛ بنابراین با توجه به قوانین، تعلق ارث به فرزندخوانده و جاهت قانونی ندارد. بعد از فوت فرد، اولین قدم برای مراحل تقسیم ارث، گرفتن گواهی انحصاروراثت است و در انحصاروراثت فرزندخوانده جایگاهی ندارد؛ چون جز ورثه محسوب نمی‌شود. حتی اگر اسم فرزندخوانده در شناسنامه شخصی که او را به فرزندخواندگی پذیرفته وارد شده باشد باز هم از ارث محروم است. همچنین در صورت فوت فرزندخوانده، سرپرست نیز از او ارث نمی‌برد. البته راهکارهایی ارائه شده که منافع و آینده فرزندخوانده تأمین شود و آن این است که صلح یک‌سوم اموال والدین به فرزندخوانده از طریق دفترخانه رسمی و حتی مراجع قضایی منتقل شود؛ بنابراین دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر می‌نماید که درخواست‌کننده سرپرستی بخشی از اموال یا حقوق خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند. تشخیص نوع و میزان مال یا حقوق مزبور با دادگاه است. در مواردی که دادگاه تشخیص دهد اخذ تضمین عینی از درخواست‌کننده ممکن یا به مصلحت نیست و سرپرستی کودک یا نوجوان ضرورت داشته باشد، دستور اخذ تعهد کتبی به تملیک بخشی از اموال یا حقوق در آینده را صادر و پس از قبول درخواست‌کننده و انجام دستور،

عهده پدرخوانده است و پس از فوت پدرخوانده یا عدم قدرت او به انفاق یا عدم امکان دریافت نفقه از پدرخوانده، نفقه فرزندخوانده از اموال و دارایی مادرخوانده استیفای خواهد شد (امامی، ۱۳۸۴). و اجداد پدرخوانده با توجه به عدم توارث و نبودن قرابت واقعی و خونی، تکلیف انفاق به فرزندخوانده اولاد و احفاد خود ندارند. و همچنین با توجه به بررسی‌هایی که در اسباب نفقه (اقارب حیوان) صورت گرفته فرزندخوانده در هیچ یک از آنها نمی‌گنجد؛ ولی به نظر می‌رسد با قبول سرپرستی کودک و تعهد و قراردادی که پدر و مادرخوانده نسبت به کودک داده‌اند و با استفاده از ماده ۱۰ قانون مدنی (قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است) نفقه کودک بر عهده پدرخوانده و مادرخوانده می‌باشد و همان قواعد حاکم بر انفاق خویشان نسبی بر آن حکم فرماست (نجفی، ۱۳۸۴). طبق ماده ۱۷ قانون جدید فرزندخواندگی، پرداخت نفقه فرزندخوانده از جمله تکالیف سرپرست وی می‌باشد که چنین مقرر می‌دارد «تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند» در صورت استنکاف از پرداخت آن، فرزندخوانده حق مطالبه نفقه را به صورت حقوقی از دادگاه صالحه دارد و به خاطر اهمیت این مسئله برابر تبصره ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده جدید مصوب ۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی می‌توان به مسئولیت کیفری سرپرست اشاره کرد. لازم به ذکر است قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر تحولات و نوآوری‌های آن در مقایسه با قانون سابق مصوب ۱۳۵۳، چالش‌های مهمی نیز ایجاد کرده است از جمله درباره‌ی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده، قانون سابق



کودک مصوب ۱۹۸۹ را در تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۹۴ تصویب نموده است. لیکن ایران در هنگام تصویب حق شرطی بدین مضمون بر کنوانسیون وارد کرده است: ایران مقرراتی را که با قوانین اسامی و حقوق بین‌الملل در حال اجرا مغایر باشند را اجرا نخواهد کرد. فرزندخواندگی کامل و ساده فرزندخواندگی کامل موجد یک رابطه به نوت جدید است که خود را جایگزین نسب حقیقی می‌سازد. در نتیجه کودکی که مطابق مقررات به فرزندخواندگی کامل پذیرفته می‌شود دارای همان حقوق و تکالیف می‌باشد که یک کودک مشروع در خانواده پذیرنده دارد این همسان‌سازی در روابط میان فرزندخوانده، پذیرنده و اعضای خانواده پذیرنده حاکم است. بر این امر هم آثار مالی و هم آثار غیرمالی مترتب است از جمله اینکه از آن‌پس نام والدین، اقتدار ابوینی و حقوق و تعهدات متقابل (تعهد به انفاق و حقوق ارثی) میان فرزندخوانده و خانواده حقیقی او تماماً زایل می‌شود؛ بنابراین کودکی که مورد فرزندخواندگی کامل قرار می‌گیرد پیوند خویش را به طور کامل با خانواده خونی‌اش از دست می‌دهد، درحالی‌که در فرزندخواندگی ساده فرزندخواندگی در مقام پیوند نسب ناشی از فرزندخواندگی و نسب حقیقی است و آثار آن لزوماً قاطع نیست؛ یعنی قابل فسخ است؛ بنابراین در فرزندخواندگی ساده روابط میان فرزندخوانده و خانواده حقیقی او قطع نمی‌گردد و فرزندخوانده با تمامی حقوق خویش در خانواده پیشین باقی می‌ماند. فرزندخواندگی بین‌المللی، تبلور شکلی از فرزندخواندگی است که در آن طرفین - فرزندخوانده اولیای فرزندخواندگی - دارای تابعیت واحد نباشند به عبارت دیگر اگر در جریان فرزندخواندگی «عنصر خارجی» متصف به یکی از طرفین باشد، فرزندخواندگی بین‌المللی تحقق می‌یابد. فرزندخواندگی یک کودک با تابعیت خارجی، غالباً برای دولت‌ها مشکلات زیادی را به همراه داشته است از جمله، مسائل مربوط به تعارض قوانین از مباحث بسیار بحث‌برانگیز در

حکم سرپرستی صادر می‌کند. طبق تبصره ماده ۱۴ قانون جدید در صورتی‌که دادگاه تشخیص دهد اعطای سرپرستی بدون اجرای مفاد این ماده به مصلحت کودک و نوجوان می‌باشد به صدور حکم سرپرستی اقدام می‌نماید. البته ماده ۲ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست سال ۱۳۵۳ که صراحتاً رابطه توارث میان سرپرستان و کودک را نفی می‌نمود، در این قانون نیامده است و این ظاهراً گامی روبه‌جلو در راستای به رسمیت شناختن ارث میان طرفین سرپرستی است. اغلب کشورهای اسامی فرزندخواندگی و قرابت ناشی از این اقدام را نپذیرفته‌اند؛ اما کشور تونس تحت نفوذ حقوق کشورهای غربی خصوصاً فرانسه به منظور حمایت از کودکان بی‌سرپرست قانونی در مارس ۱۹۵۸ به تصویب رساند که سه نوع سرپرستی را پیش‌بینی کرده است. یکی از انواع فرزندخواندگی آن است که فرزندخوانده در حکم فرزند واقعی می‌باشد و حقوق و تکالیف فرزندپذیران، حقوق و تکالیف پدر و مادر واقعی است و چه از جهت حقوق ارثیه و چه از لحاظ حرمت نکاح تفاوتی با آن ندارد. ایران به اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۵۹ رای موافق داده است. به موجب اصل این اعلامیه "کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش است نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی لامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضای پر محبت در امنیت اخلاقی مادی پرورش یابد." جامعه و مقامات اجتماعی موظف‌اند که نسبت به کودکان بدون خانواده و کودکان بی‌بضاعت توجه خاص مبذول دارند. ایران همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۵ تصویب کرده است. به موجب بند ۴ ماده ۱۸ دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند آزادی والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان را محترم بشمارند. ایران کنوانسیون حقوق



کشور تطابق قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی پذیرندگان با والدین حقیقی کودک، یکی از فاکتورهای رعایت منافع فرزندخوانده است؛ اما باین حال، دولت اظهار کرده که یک کودک نباید صرفاً به دلیل عدم تطابق فرهنگی یا نژادی متقاضیان، از داشتن پدرخوانده و مادرخوانده‌ای مهربان محروم شود همچنین محاکم انگلستان در پرتو اصل اولویت رفاه کودک نسبت به سایر مسائل، قاعده قطعی و زوال‌ناپذیر بودن دستور (نهایی) فرزندخواندگی را ایجاد نمودند (جهرمی، ۱۳۹۸).

۲-۲ فرزندخواندگی در حقوق آمریکا

فرزندخواندگی در ایالات متحده آمریکا یک عمل حقوقی است که یک فرد زیر سن ۱۸ سالگی را به طور دائم تحت سرپرستی پدر و مادری قرار می‌دهد که فرد در آن خانواده متولد نشده است. فرزندخواندگی در آمریکا موضوعی است که در صلاحیت دادگاه‌های ایالتی قرارداد؛ بنابراین به تعداد ایالت قانون فرزندخواندگی وجود دارد. در اغلب ایالت‌های آمریکا فرزندخواندگی عبارت است از گرفتن فرزند برای خود شخص. این بدان معناست که با اتمام فرایند فرزندخواندگی حقوق والدین بیولوژیکی کاما گرفته می‌شود و به طور قانونی و دائم بر فردی می‌رسد که والد بیولوژیکی فرزند نیست. طبق قانون خدمات خانواده و فرزند، زمانی که فرایند فرزندخواندگی کامل می‌شود، کودک، فرزند والدین اکتسابی می‌شود و فرزندخوانده دیگر فرزند فردی که قبل از کامل شدن فرایند فرزندخواندگی بوده است نمی‌باشد. در حقوق ایالات متحده آمریکا هر ایالت مقررات ویژه خود را در زمین ارث فرزندخوانده دارد. در ایالت میسوری با تصویب قانون فرزندخواندگی ۱۹۱۷ تمامی روابط موجود میان طفل و خانواده و خویشان اصلی‌اش از جمله ارث قطع گردیده و خانواده جدید از هر حیث جایگزین آن می‌گردد. اما در قانون متحدالشکل امور حسبی دولت فدرال چه در سال ۱۹۶۹ و چه در متن اصلاحیه آن در سال ۱۹۹۰ و نیز در پیش‌نویس

این زمینه می‌باشد. به‌عنوان مثال، ماده ۱۵ قانون ۱۹۹۶ فرانسه در مقام تعارض قوانین (چه در لحظه تشکیل حق فرزندخواندگی و چه در لحظه استناد به آثار آنان) با فرض اینکه راه حل توسط قرارداد دوجانبه یا چندجانبه مطرح نشده باشد، تلویحاً مسأله را با ترجیح و برتری قانون کشور مبدا حل نموده است مگر اینکه فرزندخواندگی اساساً در آنجا به‌عنوان یک نهاد قانونی وجود نداشته باشد (مثل مراکش و الجزایر) در انگلیس، دانمارک، اسپانیا، فنلاند، ایرلند، نروژ، هلند، سوئد، و سوئیس فرزندخواندگی کامل وجود دارد. اگرچه در رویه قضایی بعضی از این کشورها مانند هلند امکان صدور قرار ملاقات با والدین اصلی پس از صدور حکم فرزندخواندگی وجود دارد؛ اما در اکثر موارد این امر ممکن نیست و اصول فرزندخواندگی کامل روابط قطع می‌شود و یا تحت شرایط خاص و بنا به صلاحدید قاضی است به‌عنوان مثال در مورد آن مجارستان نابابوری امکانی برای صدور یک دستورالعمل الزام‌آور در خصوص ارتباط از طریق فرزندخواندگی پیش‌بینی نشده است (نسب، ۸۹). فرزندخواندگی در حقوق انگلستان: فرایند فرزندخواندگی در حقوق انگلستان، یک فرایند دومرحله‌ای می‌باشد. در مرحله اول محکمه به‌موجب یک دستور، کودک را از خانواده یا والدین طبیعی جدا می‌کند. دستور مزبور در نظام حقوقی انگلستان، دستور قرارگرفتن کودک جهت فرزندخواندگی نامیده می‌شود. پس از صدور دستور قرارگرفتن کودک جهت فرزندخواندگی، نوبت به مرحله دوم؛ یعنی صدور دستور (نهایی) فرزندخواندگی می‌رسد. چنانچه دستور (نهایی) فرزندخواندگی از سوی محکمه صادر شود، کودک به‌صورت دائم و مطلق از والدین طبیعی جدا و خانواده پذیرنده ملحق می‌شود. در حقوق انگلیس نیز اگرچه درگذشته‌ای نه‌چندان دور، ارث‌بردن فرزندخوانده از پذیرندگان ممنوع بود، در حال حاضر توارث میان کودک و خانواده واقعی او قطع و خانواده جدید جایگزین می‌شود. در حقوق این



ماده ۱-۳۵۷ قانون مدنی فرانسه به فرزندخواندگی بین‌المللی در قوانین فرانسه اشاره این دارد. این ماده مقرر می‌دارد که پذیرندگانی که درخواست صدور حکم اجرایی یک فرزندخواندگی خارجی را دارند باید از اختیارات قانونی قابل‌دسترس خود استفاده و در مدت‌زمان تقدیم دادخواست برای ثبت حکم فرزندخواندگی در کشور خارجی اقدام کنند. آمارها نشان می‌دهد که پذیرش فرزندخواندگی کودکان خارجی در فرانسه بیشتر از کودکان فرانسوی است و این در حالی است قانون‌گذار مالیات بیشتری را برای پذیرش فرزندخواندگی کودکان خارجی تعیین نموده است. در فرانسه فرزندخواندگی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. در حقوق فرانسه، اگر چه فرزندخواندگی کامل، رابطه توارث میان کودک و خانواده سابق را قطع کرده و با خانواده نوین برقرار می‌سازد؛ اما در فرزندخواندگی ساده، موضعی متفاوت اتخاذ شده است، از طرفی فرزندخوانده و نیز اوا او در مقام وارث، رابطه خویش را با خانواده اصلی کاملاً حفظ کرده و در عین حال به پذیرندگان و خانواده آنها نیز تماماً پیوند می‌خورد، جز این که والدین و اجداد پذیرندگان، می‌توانند آنان را از اعداد ورثه خود خارج سازند. اما از طرف دیگر، در مقام مورث، اگر فرزندخوانده پس از فوت اولادی نداشته باشد، بعد از آنکه اموال هبه شده از سوی والدین حقیقی و حکمی به آنها مسترد و دیون و نیز سهم همسر او پرداخت گردید، مابقی ترکه را خانواده اصلی و حکمی ناشی از فرزندخواندگی بال مناصفه به ارث خواهند برد. (نجفی، ۱۳۸۴) در فرانسه ممکن است، فرزندان الجزایر یا مراکش پذیرفته نشوند. این به این دلیل است که طبق قوانین فرانسه، قانون کودک این مسئله را کنترل می‌کند که آیا اصل فرزندخواندگی امکان‌پذیر است یا خیر؛ بنابراین، کودکان از کشورهایی که در آنها فرزندخواندگی ناشناخته است، قابل قبول نیستند. از آنجاکه در اسلام فرزندخواندگی وجود ندارد، ممکن است فرزندان کشورهایی مانند

لایحه جدید آن اصل کلی این‌گونه مستقر شده است که فرزندخوانده از حیث ارث، فرزند پذیرندگان است و نه والدین واقعی و به طور محدود و تحت شرایطی خاص پاره‌ای موارد از شمول قاعده استثنا شده است از جمله اینکه اگر یکی از والدین پس از جدایی از دیگری مجدداً ازدواج نماید و همسر جدید وی کودک را به فرزندپذیری، کودک یا بازماندگان وی همچنان از پدر یا مادر جدا شده، ارث خواهند برد. همچنین اگر فرزندخواندگی پس از فوت والدین اصلی محقق گردد فرزندخوانده و بازماندگانش از آنان ارث می‌برند و همین اثر جاری خواهد بود اگر خویشاوندان کودک از جمله پدربزرگ و مادربزرگ، او را به فرزندپذیری پذیرفته باشند. ماده ۳۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، دادگاه صالح برای رسیدگی به امور مربوط به نگهداری کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست دادگاه محل اقامت درخواست ذکر نموده است؛ اما در ایالت‌های آمریکا دادگاه عالی هر ایالت مرجع صالح برای رسیدگی به امور مربوط به فرزندخواندگی می‌باشد. ذکر این نکته لازم است که در برخی ایالت‌های آمریکا، تنها ارائه دادخواست فرزندخواندگی به مؤسسه‌ای که در امور مربوط به فرزندخواندگی فعالیت می‌کنند کافی است و برای رسیدگی به مبحث فرزندخواندگی به دادگاه مراجعه نمی‌شود (افشاری، ۱۳۹۸).

۲-۳ فرزندخواندگی در حقوق فرانسه

فرزندخواندگی در فرانسه به دو صورت کامل و ساده وجود دارد. در هر دوی آنها رضایت و درخواست پذیرندگان و موافقت ابوبین یا موسسه‌های که طفل را نگه می‌دارد دارد و یا موافقت خود طفل در صورتی که بیش از ۱۵ سال داشته باشد ضروری است. البته فرزندخواندگی کامل در فرانسه صرفاً نسبت به اطفال زیر ۱۵ سال امکان‌پذیر است. به‌هرحال در هر دوی آنها این حکم دادگاه است که فرزندخواندگی را ایجاد می‌کند.



منتج به بلاتکلیفی قانونی می‌شود و می‌تواند به حقوق کودکان، از جمله حق زندگی خانوادگی، عدم تبعیض، حقوق وراثت و حق تابعیت صدمه بزند. قانون ماهوی خانواده یک حوزه صلاحیت کشوری است، ولی اتحادیه اروپا ممکن است رویه‌هایی را برای جنبه‌های حقوق خانواده با مفاهیم ضمنی فرامرزی تصویب کند. در سال ۱۹۹۶، پارلمان قطع‌نامه‌ای را برای بهبود قانون فرزندخواندگی تصویب کرد. در سال ۲۰۰۹، کمیسیون اروپا و پارلمان اروپا مطالعاتی را منتشر کردند که نشانگر آن بود که پشتیبانی عمومی و حوزه عمل مضاعفی برای اقدامات اتحادیه اروپا برای فرزندخواندگی و ارائه توصیه‌های ملموس وجود دارد. کمیسیون اروپا و پارلمان اروپا هر دو مطالعاتی را منتشر کردند که نشانگر این بود که پشتیبانی عمومی و حوزه عمل بیشتری برای اقدامات اتحادیه اروپا درباره فرزندخواندگی و ارائه توصیه‌های ملموس وجود دارد. پارلمان اروپا متعاقباً قطع‌نامه‌ای را درباره فرزندخواندگی بین‌المللی در اتحادیه اروپا تصویب کرد که خواهان در نظر گرفتن استراتژی‌های سطح اروپایی هماهنگ‌سازی شده و به رسمیت‌شناسی قانونی متقابل اسناد ضروری برای فرزندخواندگی بود که نیازمند در نظر گرفتن استراتژی‌های هماهنگ سطح اروپایی و به رسمیت‌شناسی رسمی متقابل اسناد ضروری برای فرزندخواندگی بود. این قطع‌نامه EP تاکنون با یک ابتکار قانونی از سوی کمیسیون اروپا پیگیری نشده است. در طی هشتمین دوره پارلمان اروپا، کمیته امور حقوقی (JURI) آن یک گزارش ابتکار قانونی را برای به رسمیت‌شناسی فرامرزی فرزندخواندگی‌ها با توصیه‌های ویژه برای این کمیسیون منتشر کرد (گزارشگر، Tadeusz ZWIEFKA، EPP، لهستان). این کار مقدماتی این نکته را برجسته‌سازی کرد که در حالی که معاهده ۱۹۹۳ لاهه برای حفاظت از کودکان و همکاری در رابطه با فرزندخواندگی بین‌کشوری نیازمند به رسمیت شناخته شدن اتوماتیک فرزندخواندگی است. این

الجزایر و مراکش به فرزندخواندگی قبول نشوند (۲۰۰۹) (Cuniberti).

۲-۴ حقوق آلمان

فرزندخواندگی در آلمان هم به دو صورت کامل و ساده وجود دارد و فرزندخواندگی بین‌المللی در قوانین آلمان نیز به رسمیت شناخته شده است. ابتدا در آلمان قانون بدین صورت بود که فرزندخواندگی کودک بر اساس قانون کشوری است که فرزند خواننده در هنگام فرزندخواندگی تبعه آن است، اداره می‌شود و طبق قانون جدید فرزندخواندگی کودک در آلمان توسط قانون آلمان اداره می‌شود و در همه موارد دیگر، فرزندخواندگی طبق قانون کشوری اداره می‌شود که فرزندخوانده در زمان فرزندخواندگی در آن محل اقامت معمول خود را داشته باشد. طبق قانون جدید عامل اصلی ارتباط از ملیت به محل سکونت عادی تغییر یافت. به طور سنتی در حقوق بین‌الملل آلمان، ملیت عامل اصلی اتصال بود، همان‌طور که هنوز در ماده ۱۳ (قانون حاکم بر عقد ازدواج) وجود دارد. اما این تغییر نشان‌دهنده یک گرایش عمومی در تعارض قوانین آلمان است که عمده‌تاً توسط هماهنگی تعارض قوانین در اتحادیه اروپا ایجاد شده است (Gössl، ۲۰۲۰). تمام کشورهای عضو دارای ضوابط ملی حاکم بر به رسمیت‌شناختن نظامات قبول به فرزند (فرزندخواندگی) هستند؛ ولی رویه‌های حقوقی به طرز قابل توجهی در نقاط مختلف اتحادیه اروپا متفاوت هستند. باتوجه به مقررات کنونی، هیچ حفاظت قانونی یا تضمینی وجود ندارد فرزندخواندگی‌های انجام شده در یکی از کشورهای عضو در کشور دیگر به رسمیت شناخته شود. این بدان معناست که خانواده‌های اروپایی که پس از به فرزند قبول کردن یک کودک به یک کشور عضو دیگر نقل مکان می‌کنند ممکن است با مشکلات عملی قابل توجهی مواجه شوند، و ممکن است ناچار به رویه‌های به رسمیت‌شناسی کشوری متوسل شوند یا حتی باری دیگر برای فرزندخواندگی فرزندشان اقدام کنند. این شرایط



کشورهای عضو اتحادیه اروپا در همکاری و حفاظت از بهترین منافع فرزندان در رویه‌های حقوقی همچون تصمیمات فرزندخواندگی فرامرزی ناموفق باشند متضرر می‌شوند، و باری دیگر خاطرنشان می‌کند به فقدان مکانیسمی برای به رسمیت‌شناسی اتوماتیک احکام به رسمیت‌شناسی داخلی صادر شده در دیگر کشورهای عضو اشاره می‌کند؛ و از کشورهای عضو و کمیسیون می‌خواهد که مقرراتی برای تشخیص فرزندخواندگی داخلی وضع کنند. کمیسیون اروپا توصیه‌های مقرر شده در قطعنامه پارلمان در ۲ فوریه ۲۰۱۷ را یادداشت کرده است، و از جمله به این اشاره کرده است که باتوجه به حساسیت این حوزه از قانون، یک پیشنهاد قانونی ممکن است نیازمند اجماع در «شورا» برای تصویب باشد و هرگونه ابتکار درباره به رسمیت‌شناختن احکام فرزندخواندگی در سطح اتحادیه اروپا باید مبتنی بر شواهد باشد. در مارس ۲۰۱۹ کنفرانس لاهه درباره حقوق بین‌الملل خصوصی گزارشی را درباره به رسمیت‌شناسی فرزندخواندگی‌های داخلی منتشر کرد که بیانگر مشکلاتی بود که وقتی که به رسمیت‌شناسی اتوماتیک نباشد ممکن است رخ دهند. در این گزارش مواردی یافت شده است که در آنها عمل و به تعداد فراوان، خانواده‌هایی خواهان به رسمیت‌شناسی فرزندخواندگی‌های داخلی در برخی از کشورهای اتحادیه اروپا بوده‌اند. این گزارش همچنین خاطرنشان نموده است که بسیاری از مسائل مشخص شده توسط پارلمان اروپا توسط اعضای HCCH نیز پرچم زنی شده‌اند. (۲۰۲۰ CROSS-BORDER ASPECTS OF ADOPTIONS)

۳. تعارض قوانین

درباره‌ی انتخاب قانون حاکم بر فرزندخواندگی در کشورهای مختلف مقررات متفاوتی وجود دارد. در حقوق انگلستان اگر متقاضی مقیم انگلستان باشد، و کودک خارج از انگلستان اقامت داشته باشد، دادگاه برای

معاهده تنها به شرایطی اعمال می‌شود که در آنها والدینی که به فرزندخواندگی قبول می‌کنند و کودک فرزندخوانده متعلق به دو کشور مختلف باشند و فرزندخواندگی داخلی (شرایطی که در آنها افرادی که به فرزندخواندگی قبول می‌کنند رویه فرزندخواندگی را در یک کشور عضو) را تحت پوشش قرار ندهد، و سپس بعداً، تصمیم به رفتن به یک کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا با این کودک بگیرد. علاوه بر این، در سطح اتحادیه اروپا، در حال حاضر هیچ ابزار حقوقی وجود ندارد که مقررات به رسمیت‌شناسی یک حکم فرزندخواندگی اعلام شده در یک کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا را تنظیم کند. ارزیابی ارزش افزوده اروپایی (EAVA) همراه این گزارش گزینه‌های احتمالی خط‌مشی و ارزش افزوده بالقوه اجرای اقدام قانونی در سطح اتحادیه اروپا را آنالیز کرد. برآورد این ارزیابی این بود که پیامدهای حقوق اجتماعی، سامت و بنیادین برای افراد، هزینه فقدان قوانین اتحادیه اروپا درباره به رسمیت‌شناسی اتوماتیک تصمیم فرزندخواندگی تقریباً ۱/۶۵ میلیون یورو در سال است. استدلال آن این است که مقررات اتحادیه اروپا می‌تواند هزینه‌های اجرائی و قانونی را کاهش دهد و امکان حفاظت بهتر از منافع کودک و حقوق بنیادین والدینی که به فرزندخواندگی قبول می‌کنند را فراهم می‌آورد. هرگونه مقررات اتحادیه اروپا باید این مسائل را تحت پوشش قرار دهد: مسائل صلاحیت قضایی و تداخل قوانین؛ یک فرایند گواهی دهی یکپارچه و گواهی فرزندخواندگی، و همچنین اثرات گواهی دهی؛ شرایط به رسمیت‌شناسی احکام فرزندخواندگی؛ یک اصل به رسمیت‌شناسی متقابل به عنوان یک اصل پیش فرض؛ و زمینه‌های عدم پذیرش در ۲۸ آوریل ۲۰۱۷، پارلمان همچنین قطع‌نامه‌ای را برای حفاظت از بهترین منافع کودک در اتحادیه اروپا بر مبنای تومارهای خطاب به پارلمان اروپا تصویب کرد که تاکید دارد که این فرزندان هستند که در صورتی که



لازم به ذکر است قانون کشور خارجی در صورتی در انگلیس قابل اعمال است که مغایر با نظم عمومی انگلیس نباشد. اگر کودک فرانسوی در فرانسه که یک کشور عضو کنوانسیون است بدون رعایت شرایط کنوانسیون به فرزندخواندگی قبول شود، قانون انگلیس حاکم است. عامل دیگری که می تواند مانع اجرای قاعده مذکور شود این است که دادگاه انگلستان تشخیص دهد، مراجع اعطاکننده جواز فرزندخواندگی در محل اقامت زوجین مصلحت کودک را به میزان کافی لازم مدنظر قرار نداده اند یا اعمال محل اقامت زوجین با توجه اوضاع و احوال خاص حاکم بر قضیه مصلحت کودک نیست. قانون حاکم و دادگاه صالح در رابطه با مسئولیت والدین قانون دادگاه کشور محل سکونت کودک یا قانون و دادگاه کشور عضوی است که والدین کودک آن را صالح دانسته و بهترین منافع کودک را تأمین کند بر این اساس قانون و دادگاه انگلیس حاکم است؛ بنابراین در مواردی هم که اقامتگاه والدین کودک خارج از انگلستان است؛ ولی محل اقامت کودک در انگلیس باشد، برای حمایت کودک دادگاه انگلیس حاکم است. مطابق قانون انگلیس اگر کودک فاقد محل سکونت باشد، دادگاه محل حضور کنونی کودک صلاحیت رسیدگی را دارد. اگر محل سکونت نامعین باشد؛ ولی کودک در انگلیس حضور داشته باشد، دادگاه انگلیس صلاحیت رسیدگی به قضیه را دارد. این قاعده در مورد کودکانی که پناهنده هستند یا در جنگ هستند مجری است. اگر کودک در انگلیس یافت شود و فاقد محل سکونت باشد دادگاه انگلیس حاکم است. همچنین کنوانسیون مقرر می دارد که قراردادهای منعقد می دارد که قراردادهای منعقد شده میان والدین در رابطه با مسئولیتشان در قبال کودک، تابع قانون محل انعقاد قرارداد است. اگر چه حقوق انگلستان تمایل دارد که قراردادهای خصوصی مربوط به کودک را به رسمیت نشناسد. در کل اینکه مطابق قانون انگلیس کودکی که به فرزندگی قبول شده از دید قانون دارای

بررسی شرایط فرزندخواندگی، قانون خارجی اقامت کودک را مالک قرار می دهد که در بسیاری از موارد با مقررات انگلستان متفاوت است. چنان چه این قانون به مصالح و منافع فرزندخوانده نباشد در جهت حفظ منافع وی می توان قانون متقاضیان فرزندخواندگی را که همان قانون انگلستان است به اجرا گذاشت و از این حیث منع قانونی وجود ندارد. این مسئله بسیار حائز اهمیت است اگر هدف نهایی از صادر شدن حکم فرزندخواندگی، فقط اخذ تابعیت انگلستان باشد، دادگاه بر اساس رعایت نظم عمومی کشور، از صدور حکم فرزندخواندگی خودداری می نماید و همچنین مطابق قانون انگلستان در صورتی که قانون دولت متبوع والدین طبیعی کودک با قانون انگلستان در تعارض باشد، قانون انگلستان حاکم است. همچنین در رابطه با فرزندخواندگی هایی که صورت گرفته است اگر خارج از چهارچوب کنوانسیون باشد حقوق انگلیس مقرر داشته قانون حاکم بر چنین فرزندخواندگی هایی قانون حاکم بر فرزندخواندگی انگلیس حاکم است. به همین دلیل انگلستان در راستای تلاش برای به حداقل رساندن مشکلاتی از این حیث است. در سال ۱۹۸۹ به کنوانسیون لاهه در مورد حمایت از کودکان و همکاری متقابل در زمینه فرزندخواندگی های بین دولتی ملحق شد. این کنوانسیون در ژوئن ۲۰۰۳ اجرایی گردید؛ لذا در صورتی مفاد این کنوانسیون اجرا می شود که کودکی در یکی از کشورهای عضو سکونت دارد. قبل یا بعد از پذیرفته به فرزندخواندگی توسط زوج یا فردی که در یکی از کشورهای عضو سکونت دارد به کشور دیگر عضو کنوانسیون منتقل گردد یا در شرف انتقال باشد. قانون حاکم بر فرزندخواندگی هایی که مشمول کنوانسیون ۱۹۹۳ قرار می گیرند، قانون کشوری هستند که فرزندخواندگی در آن محقق است. برای مثال اگر یک کودک فرانسوی توسط زوج انگلیسی در فرانسه به فرزندگی قبول شود قانون حاکم بر فرزندخواندگی قانون فرانسه است. البته



اروپایی تصویب کرده که در آن‌ها به لزوم رعایت قانون دولت متبوع در احوال شخصی که یکی از آنها فرزندخواندگی می‌باشد، تصریح کرده است. این موافقت‌نامه‌ها شامل: قرارداد اقامت با آلمان مصوب ۱۳۸۰، ماده ۵ پروتکل ضمیمه عهدنامه مودت و اقامت و تجارت ایران و یونان مصوب ۱۳۱۰، قرارداد اقامت میان ایران و سوئیس مصوب ۱۳۱۳، قسمتی از ماده ۱۰ عهدنامه مودت و اقامت بین دولت ایران و جمهوری اتریش و همچنین فرزندخواندگی در موافقت‌نامه‌ها با دولت‌های ارمنستان، افغانستان، سوریه، قرقیزستان و قزاقستان که تابع قانون دولت متبوع دانسته شده است. سؤال اساسی آن است که در لحظه تشکیل رابطه فرزندخواندگی اتباع خارجه یا اقلیت‌های دینی ایرانی در ایران چه قانونی باید بر ایجاد رابطه فرزندخواندگی حاکم است؟ و سؤال دیگر اینکه آیا اتباع خارجه می‌تواند در ایران رابطه‌ی فرزندخواندگی را ایجاد کنند؟ به علت عدم وجود قواعد مشخص پاسخ‌های متفاوتی از سوی حقوق‌دانان ارائه شده است، برخی بیان داشتند که باتوجه به ماده ۱ قانون حمایت سابق، قانون‌گذار از اصل کلی حاکمیت قانون ملی نسبت به احوال شخصیه بیگانگان عدول نموده است، بنابراین در این حالت قوانین ماهوی ایران بر قضیه حاکم است. برخی دیگر بر این باورند که در صورت وحدت تابعیت والدین فرزندپذیر (صرف‌نظر از تابعیت طفل) می‌بایست قانون متبوع والدین را اعمال نمود. اما گروهی به تاثیر از مقررات کنوانسیون حقوق کودک و در راستای رعایت منافع عالیه فرزندخوانده به اجرای قانون دولت متبوع طفل حکم دادند. همچنین عده‌ای دیگر معتقدند در مرحله اول یعنی در مرحله ایجاد حق، به نظر می‌رسد که اتباع خارجی با صراحت مواد ۳ و ۴ قانون جدید امکان‌پذیرش فرزندخوانده در ایران و در مرحله ایجاد حق را ندارند و در جایی دیگر بیان داشته‌اند که در حقوق ایران نص قانونی و یا رویه قضایی در خصوص پذیرش فرزندخواندگی بین‌المللی چه در صورت وحدت

همان حقوقی است که یک کودک مشروع از آن برخوردار است. اگر اقامتگاه یکی از زوجین که فرزندخوانده در انگلیس اقامت داشته باشد در انگلیس باشد، قانون انگلیس حاکم است. ولی اگر اقامتگاه هر دوی آنها در زمان تحقق فرزندخواندگی، یک کشور خارجی باشد، قانون کشور خارجی حاکم است و قاعده حل تعارض باید بر اساس قانون کشور محل اقامتگاه زوجین توسط دادگاه انگلیس اعمال شود. لازم به ذکر است کشورهای عضو کنوانسیون دادگاه صالح را، دادگاه محل سکونت کودک یا قانون دادگاه کشور عضو که والدین آن را صالح بدانند و بهترین منافع کودک را در نظر بگیرند. اگر محل سکونت کودک نامشخص باشد محل حضور کنونی کودک صلاحیت رسیدگی به موضوع فرزندخواندگی را دارد. در خصوص کشورهایی که عضو کنوانسیون نیستند حقوق سنتی کامل حاکم است. یعنی در هر صورت دادگاه قانون انگلیس را صالح و حاکم می‌داند (سلمان‌پور). در قواعد حل تعارض مصر و کویت قانون کشور متبوع پدرخوانده و فرزندخوانده حاکم است. ولی راجع به آثار فرزندخواندگی قانون کشور متبوع وی حاکم است. در حقوق فرانسه فرزندخواندگی تابع قانون متبوع درخواست‌کننده یا درخواست‌کنندگان فرزندخواندگی می‌باشد؛ اما تشریفات مربوط به رضایت فرزندخوانده تابع قانون کشور متبوع وی است. قانون فرزندخواندگی کشور سوئیس مقرر می‌دارد که صلاحیت برای اعطای فرزندخواندگی در رابطه با زن و شوهر و فرزندخوانده مقیم سوئیس بر عهده مراجع قضایی این کشور است. حتی اگر آنها مقیم سوئیس نباشند؛ اما یکی از آنها تبعه کشور سوئیس باشد صلاحیت اعطای فرزندخواندگی با کشور سوئیس است البته به شرط اینکه در کشوری که مقیم‌اند این فرزندخواندگی حاصل نگردد. در خصوص ایران، ابتدا به این موضوع اشاره می‌کنیم که قانون‌گذار ایران در سال‌های ۱۳۰۷ و بعد از آن موافقت‌نامه‌های دوجانبه متعددی را با برخی دولت‌های



چنین است، قاضی کشور خارجی در دعوای یاد شده قاعده ماهوی قانون ایران را اجرا خواهد کرد؛ البته منوط به اینکه اعمال این قانون با نظم عمومی کشور مقرر دادگاه در تنافی نباشد. هم چنین در صورتی ارجاع قانون حاکم بر قضیه تابع قانون ایران می‌گردد که قانون متبوع اشخاص درگیر در قضیه حاکم باشد نه قانون اقامتگاه.

با مطالب بیان شده به نظر می‌رسد که چنانچه پدرخوانده و مادرخوانده خارجی باشند و فرزندخوانده نیز خارجی باشد فرزندخواندگی، مورد پذیرش قانون‌گذار ایرانی است و قانون پدرخوانده یا مادرخوانده قابل اعمال است؛ چراکه ایجاد رابطه فرزندخواندگی خارجیان در ایران با نظم عمومی مخالفتی ندارد و این وضعیت در روابط خصوصی خارجیان مطرح است. سوالی که مطرح می‌شود اگر تبعه خارجه بخواهد در خصوص اتباع ایران غیرمسلمان تقاضای فرزندخواندگی کند کدام قانون حاکم است؟ در این سؤال دو دیدگاه وجود دارد، گروهی معتقدند که دیدگاه منطقی این است که هر گاه طفل ایرانی توسط اتباع خارجی سرپرستی شود اعمال قانون ایران از باب قسمت اول ماده ۵ قانون مدنی مناسب‌تر است و چنانچه طفل و سرپرستان تبعه کشور خارجه باشند، باتوجهبه شخصی بودن موضوع فرزندخواندگی ضرورتی به اعمال قانون ایران مشاهده نمی‌شود و اعمال قواعد و مقررات دولت پدرخوانده یا مادرخوانده یا قانون دولت متبوع مولی‌علیه، قانون مناسبی خواهد بود و این امر با نظم عمومی جامعه ایرانی منافاتی نخواهد داشت. زیرا قانون‌گذار ایران در بند ۳ ماده‌واحد اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، کلیه آثار فرزندخواندگی را برای، ایرانیان غیرشیعه به رسمیت شناخته است؛ بنابراین از وحدت ملک این ماده‌واحد می‌توان چنین استنباط کرد که در ایران چنین حقی باتوجهبه مواد ۷ و ۹۶۴، ۹۶۵ قانون مدنی برای اتباع خارجه نیز قابل تصور است. (فدوی) نظر دیگر

تابعیت و یا اختلاف تابعیت پدرخوانده و فرزندخوانده وجود ندارد؛ بنابراین، از دیدگاه حقوق بین‌الملل خصوصی ایران چنانچه فرزندخواندگی در مرحله ایجاد حق باشد، درهرحال اعم از وحدت و یا اختلاف تابعیت پدرخوانده (مادرخوانده) با فرزندخوانده یا طفلی که تحت سرپرستی قرار می‌گیرد، قانون ایران حاکم بر موضوع خواهد بود که این تأسیس را نپذیرفته است (نائینی، ۱۳۹۹). قانون‌گذار ایران در ماده ۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد ((احوال شخصیه خارجیان تابع قانون ملی آنان است.)) و باتوجهبه توضیحات گذشته فرزندخواندگی از مصادیق احوال شخصیه است. البته ماده ۹۷۸ قانون مدنی استثنایی بر اجرای این اصل وارد می‌کند و آن عدم مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه است. همچنین مشخص شد که قانون‌گذار خارجی در اغلب کشورها نهاد حقوقی فرزندخواندگی را پذیرفته است؛ بنابراین راجع به مسیحی، یهودی و زردشتی که بر اساس اصل سیزدهم قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، به‌موجب بند ۳ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلمة متداول در مذهب ایشان حاکم است؛ یعنی مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن هستند رعایت می‌شود؛ بنابراین مقبولیت فرزندخواندگی در ایران مختص صرفاً سه اقلیت دینی مذکور می‌باشد. راجع به مسلمانان از جمله شافعی، مالکی، حنبلی، و حنفی وزیدی این تأسیس با شرایط و آثاری خاص تحت عنوان سرپرستی مورد قبول واقع شده است. اما چنانچه پدرخوانده یا فرزندپذیران تبعه ایران و مقیم در خارج از ایران باشند و مقرر دادگاه خارج باشد، بر اساس ماده ۶ ق. م قانون ایران بر آن‌ها جاری می‌باشد؛ اما برخی معتقدند طبق قانون مقرر توصیف تحقق می‌یابد؛ بنابراین چنانچه مقرر دادگاه خارج باشد و در نهایت فرزندخواندگی جزء احوال شخصیه شناسایی شود که معمولاً این



معتبر دانسته است، و طبق ماده ۷ قانون مدنی تابع قانون ملی است و پذیرش فرزندخواندگی که در خارج به وجود آمده است نه تنها با نظم عمومی ایران منافاتی نخواهد داشت، بلکه ضمن ملحوظداشتن عدالت و انصاف، حقوق مکتسبه افراد هم رعایت شده است می‌بایست در صورت وحدت تابعیت طرفین رابطه فرزندخواندگی، قانون ماهوی دولت متبوع در مورد آنان اعمال شود و در صورت عدم وحدت در تابعیت و اختلاف تابعیت فرزندخوانده با پدر یا مادرخوانده، اگر چه قانون ایران در خصوص مورد مذکور ساکت است و حقوق دانانی که به موضوع پرداخته‌اند نیز دارای اختلاف نظر می‌باشند، ولیکن باتوجه به آن که منظور اصلی از این گونه مقررات، رعایت غبطه و مصلحت مولی‌علیه و فرزندخوانده می‌باشد و موضوع تأمین منافع مادی و معنوی طفل است و از طرفی ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک که دولت جمهوری اسلامی ایران طی ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی، به آن پیوسته است مقرر می‌دارد: کشورهایی که سیستم فرزندخواندگی را به رسمیت می‌شناسند و مجاز می‌دانند باید منافع عالی‌ه کودک را در اولویت قرار دهند؛ بنابراین باتوجه به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد که در این خصوص، باید قانون دولت متبوع فرزندخوانده و کودک تحت سرپرستی را مالک عمل قرار داده؛ زیرا با مقررات موضوع حقوق ایران مبانی فقهی هماهنگی بیشتری داشته و به اهداف قانون‌گذار از ایجاد نهاد سرپرستی کودکان بدون سرپرست و رعایت مصلحت و غبطه کودکان تحت سرپرستی و فرزندخواندگان، نزدیک‌تر می‌باشد (متولی). و باتوجه به ماده ۷ قانون مدنی پذیرش فرزندخواندگی که در خارج به وجود آمده است با نظم عمومی ایران منافاتی نخواهد داشت. البته ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مطابق مندرجات حکم قابل تنفیذ است مگر این که موارد

این است که قانون خارجی حاکم بر قضیه است چرا که آن چنان که بیان گردید، ایرانیان غیرشیعه تابع عادات و قواعد متداولی در مذهب پدرخوانده یا مادرخوانده هستند و هم چنین است ماده ۹۴۶ قانون مدنی روابط ابوبن واداد را تابع دولت متبوع پدر می‌داند. این امکان وجود دارد که در رابطه با فرزندخواندگی احاله به وجود بیاید و آن در صورتی است که تبعه خارجی متقاضی فرزندخواندگی در ایران، تبعه کشوری باشد که قانون آن کشور احوال شخصیه را تابع اقامتگاه بداند؛ مانند کشور انگلستان، در این صورت احاله درجه اول به وجود می‌آید، قانون مدنی، قانون ۹۷۳ آید و مطابق ماده گذار ایرانی مکلف به قبول این احاله است؛ بنابراین تبعه خارجی غیرمسلمان را باید مشمول مقررات فرزندخواندگی قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ در مورد احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه دانست (جرفی، ۱۳۹۴).

مرحله اثرگذاری حق

بین حقوق دانان ایرانی در مرحله این اثرگذاری حق و این که افرادی بخواهند از رابطه فرزندخواندگی که به طور صحیح در خارج به وجود آمده است در ایران استفاده نموده و به اثری از آثار آن استناد نمایند، تردید کمتری وجود دارد؛ بنابراین هرگاه فرزندخوانده‌ای برابر حکم فرزندخواندگی صادره از دادگاه خارجی در دادگاه ایران به آثار ناشی از رابطه فرزندخواندگی نظیر نفقه، ارث... استناد نماید، و مثل فرزندخوانده بخواهد در ایران از پدرخوانده‌اش مطالبه نفقه نماید یا در مورد ارث مسئله‌ای داشته باشد، باتوجه به این که فرزندخواندگی از مسائل مربوط به احوال شخصیه است، و باتوجه به ماده ۷ قانون مدنی، در صورت وحدت تابعیت آنان، موضوع تابع قانون دولت متبوع آنان خواهد بود و باتوجه به این که قانون ایران، نهاد فرزندخواندگی را علی‌رغم این که در حقوق داخلی به رسمیت نشناخته؛ ولی نسبت به ایرانیان غیرشیعه با صراحت



کشورهای غربی مانند انگلیس، دانمارک، اسپانیا، فنلاند، ایرلند، هلند، سوئد، سوئیس، فرانسه، آلمان فرزندخواندگی کامل را مورد شناسایی و پذیرش قرار داده‌اند که در واقع به معنای این است که فرزندخوانده همان فرزند قانونی است و از حقوق و مزایای فرزند واقعی برخوردار است. بر اساس مصلحت‌های مذکور، بسیاری از کشورها از جمله آلمان و فرانسه پذیرفته‌اند که سرپرستی یا فرزندخواندگی می‌تواند به اتباع کشورهای دیگر نیز واگذار شود. چنانچه عنصر خارجی وارد قضیه شود بحث تعارض قوانین به میان می‌آید از این حیث وضعیت‌های متفاوتی قابل تصور است چنانچه دعوی راجع به سرپرستی در ایران مطرح شود دادگاه ایران مستقیماً به قانون ماهوی راجع به سرپرستی مراجعه می‌کند؛ اما چنانچه بحث از فرزندخواندگی شود و توسط ایرانیان غیرشیعه این درخواست شود به مذهب آنها مراجعه می‌شود و قواعد و مقررات متداول و مسلمة دین و مذهب آنها حاکم بر قضیه است. راجع به یهودیان، زرتشتیان و مسیحیان در بحث فرزندخواندگی، میان فرزند پذیرندگان و پذیرفته شده، توارث و قرابت برقرار می‌گردد. راجع به خارجی‌ان مقیم در ایران نیز تقریباً وضع این چنین است و قانون کشور متبوع آنها حاکم است؛ حال چه قانون ملت متبوع فرزندخوانده چه والدین پذیرنده، بسته به نحوه و وضع قانون‌گذاری و مصالح قانون حاکم مشخص می‌گردد. در مرحله اثرگذاری حق و در موردی که رابطه فرزندخواندگی صحیح در خارج از ایران به وجود آمده و در ایران به اثری از آثار آن استناد شده باشد، در صورت وحدت تابعیت، قانون ملی طرفین و در صورت اختلاف تابعیت قانون ملی فرزندخوانده و یا طفل تحت سرپرستی، حاکم بر موضوع می‌باشد.

تنفیذ با نظم عمومی شدید و بازدارنده حقوق ایران منافات داشته باشد که در آن صورت، انتظامات عمومی مانع نفوذ حکم خواهد شد. زیرا قوانین مربوط به احوال شخصیه بیگانگان و ایرانیان تاب مقاومت در قبال قوانین مربوط به نظم عمومی را ندارند و ماده ۹۷۵ قانون مدنی گویا است که حتی اجرا و قوانینی که اصول مجاز است در تعارض با نظم عمومی دیگر قابل اجرا شناخته نمی‌شود (رضایی، نصر، الوند، ۱۳۸۷). در تمامی موارد یاد شده، رابطه فرزندخواندگی ایجاد شده در ایران تأثیری در تابعیت فرزندخوانده ندارد مگر اینکه فرزندخوانده بی تابعیت باشد که در آن صورت امکان تحمیل تابعیت پدرخوانده بر طفل یاد شده به منظور جلوگیری از بی تابعیتی طفل قابل تصور خواهد بود.

نتیجه

فرزندخواندگی و سرپرستی بهترین نهاد برای حمایت از بسیاری از کودکان یتیم و کودکانی است که خانواده‌ای را برای نگهداری ندارند. بسیاری از کودکان به این نهاد برای برخورداری از حقوق خود از جمله، غذا، تغذیه، نیازهای پزشکی، امنیت، آموزش و پرورش نیاز دارند و به دلیل همین اهمیت نهاد فرزندخواندگی امروزه از قالب صرفاً داخلی خارج و به یک نهاد دارای ابعاد بین‌المللی گسترش یافته است. هدف اصلی از نهاد فرزندخواندگی یا سرپرستی، حمایت از کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست است. از این نظر همه تلاش‌ها باید در جهت رعایت هر چه بیشتر مصالح و منافع عالیه کودکان است که علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، شامل رعایت جنبه‌های عاطفی و روانی موضوع نیز می‌شود. از جمع‌بندی مطالب و مباحث مربوط به آن برداشت می‌شود که حقوق ایران و کشورهای اسامی مگر تونس نهاد فرزندخواندگی را نپذیرفته‌اند.



منابع

بین‌الملل خصوصی.

پیرهادی، محمدرضا، مریم افشاری. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و آمریکا باتوجه به قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست یا بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲.

مریم نجفی. (۱۳۸۴). تحولات قانون جدید فرزندخواندگی نسبت به قانون قدیم در ایران.

توسلی نائینی، منوچهر. (۲۷، ۱، ۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی بین‌المللی در ایران، فرانسه، آلمان.

چاوشی، نفیسه. (۱۳۹۳). درنگی بر وضعیت فرزندخواندگی در جامعه ایرانی.

منابع انگلیسی

۱. CROSS_BORDER ASPECTS OF ADOPTIONS
 ۲. No Adoption in France for. Gilles Cuniberti. (۲۰۰۹).
 ۳. Change in German. Susanne Gössl. (۲۰۲۰).
- International Adoption Law

ایرج سلمان‌پور. حل تعارض فرزندخواندگی ایران و انگلستان.

باقری. (۱۳۹۸). واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا.

بشیرتاش شیرین، گودرز افتخار جهرمی. (۲۳، ۱۱، ۱۳۹۸). فرزندخواندگی در پرتو قوانین داخلی و رویه قضائی محاکم انگلستان.

بهشید ارفع نیا، هادی جرفی. (۸، ۲، ۱۳۹۴). وضعیت حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، مقررات بین‌المللی و تعارض قوانین.

رضایی، نصر، الوند. (۱۳۸۷). حقوق کودکان فاقد سرپرست قانونی.

صادقی مقدم، شریعی نسب. (۷، ۱۱، ۸۹). مطالعه تطبیقی انفاق در فرزندخواندگی در حقوقی ایران و فرانس.

متولی، محمد. قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی ایران.

شریعت باقری، محمدجواد. (چاپ دوم، ۱۳۹۶). حقوق بین‌الملل خصوصی.

اسدبیگی، محمدرضا. (۱۳۹۴). تعارض قوانین در احوال شخصیه در حقوق